



مبنای الزامات محیط زیستی در قراردادهای نفتی ایران

روح‌اله کهن هوش نژاد*  دکترای تخصصی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

محمدحسین التمیمی  دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

توسعه اقتصادی یک الزام سیاستی برای ایجاد توازن میان ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است. قراردادهای سرمایه گذاری و توسعه پایدار روابط پیچیده‌ای با یکدیگر دارند. جنبه‌های متعددی از قراردادهای سرمایه گذاری دارای اثر مستقیم بر اهداف توسعه پایدار نظیر کاهش فقر و پایداری زیست محیطی هستند. از دیدگاه توسعه پایدار، برای رسیدن به یک مفاد قراردادی مطلوب، باید در کنار دغدغه‌های متعارف در خصوص درآمد دولت، میان تمامی موضوعات فرآیندی، اقتصادی و محیط زیستی قراردادهای، توازن برقرار نمود. به طور کلی ضوابط محیط زیستی در قراردادهای نفت و گاز عمدتاً در پنج روش ارجاع به قوانین و مقررات ملی محیط زیستی، ارجاع به استانداردهای بین‌المللی این صنعت، ارجاع به قوانین ملی و استانداردهای بین‌المللی صنعت نفت و گاز، ارجاع به قوانین ملی یا استانداردهای صنعت و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی محیط زیست و ایجاد استانداردهای محیط زیستی خاص هر پروژه گنجانده می‌شود. در حال حاضر مفاد مربوط به مسائل محیط زیستی به تفصیل در قراردادهای سرمایه گذاری حوزه صنایع معدنی نفت و گاز مشاهده می‌گردند، ولی همچنان شکاف قابل توجهی در این زمینه وجود دارد. مهم‌ترین مسئله در رعایت الزامات محیط زیستی، عدم سوزاندن گازهای همراه نفت است که یکی از دغدغه‌های اصلی محیط زیستی در ایران محسوب می‌شود. در این خصوص متأسفانه عملکرد ایران در سال‌های گذشته مناسب نبوده و توجه به این موضوع و لزوم مدیریت آلاینده‌ها مسئله‌ای اجتناب‌ناپذیر است. همچنین، یکی از جنبه‌های مجهول حقوق بین‌الملل خصوصی محیط زیست، تعیین قانون حاکم بر جبران خسارات محیط زیستی است، در حالی که قانون مدنی ایران در این زمینه مسکوت است. بنابراین همچنان این ضرورت وجود دارد که کشورهای نفتی از جمله ایران علاوه بر تدوین قوانین و مقررات لازم برای نظارت و کنترل عملیات نفتی، سیستم نظارتی جامعی را بر اجرای قراردادهای بین‌المللی نفتی، به خصوص برای اجرای شروط مرتبط با محیط زیست، اعمال کنند.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، قراردادهای سرمایه‌گذاری نفت و گاز، محیط‌زیست، ایران.

طبقه‌بندی JEL: K۱۲، L۷۱، Q۵۰.

* نویسنده مسئول: kohan3@gmail.com

۱. مقدمه

توسعه پایدار^۱، الزامی سیاستی برای ایجاد توازن میان ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی است. قراردادهای سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار روابط پیچیده‌ای با یکدیگر دارند. جنبه‌های متعددی از قراردادهای سرمایه‌گذاری اثر مستقیمی بر اهداف توسعه پایدار نظیر کاهش فقر و پایداری محیط زیست می‌گذارند. از نگاه توسعه پایدار، برای رسیدن به یک مفاد قراردادی مطلوب، باید در کنار دغدغه‌های متعارف در خصوص درآمد دولت، میان تمامی مسائل فوق‌الذکر توازن برقرار نمود. مسائل متعدد فرآیندی، اقتصادی و محیط زیستی مربوط به قراردادهای سرمایه‌گذاری در منابع طبیعی نشان می‌دهد این قراردادهای تنها اسناد معاملات تجاری بلکه ابزاری برای سیاستگذاری عمومی هستند.

سیاستگذاران، محققان و سازمان‌های توسعه محور بین‌المللی به اتفاق بر اهمیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)^۲ در کاهش شکاف جهانی میان ملل ثروتمند و فقیر تأکید دارند.^۳ سرمایه‌گذاری علاوه بر تأمین سرمایه، می‌تواند فناوری‌ها و دانش را به کشور میزبان آورده و نهایتاً انتظار می‌رود این فناوری و دانش به بخش‌های داخلی نیز سرریز^۴ شود. در سال‌های اخیر، بحث‌های زیادی در مورد اهمیت سرمایه‌گذاری برای توسعه پایدار مطرح شده است. در یک تعریف کلی، منظور از توسعه پایدار، الزام سیاستی برای ایجاد توازن میان ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی است به گونه‌ای که نیازهای امروز بدون آسیب رساندن به توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان، برآورده شود.^۵

مفهوم توسعه پایدار ابتدا در کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل در ریو دوژانیرو^۶ (۱۹۹۲) مطرح شد و اکنون به یکی از مفاهیم اصلی در کاهش فقر و پایداری محیط زیست تبدیل شده است. FDI ابتدا در کنفرانس ریو به‌عنوان بخشی از فرآیند رسیدن به توسعه پایدار مطرح گردید^۷ و در کنفرانس جهانی توسعه پایدار در

1. Sustainable Development
 2. Foreign Direct Investment
 3. UN (2002), p. 20.
 4. Spillover
 5. UN (1987), p. 1.
 6. Rio de Janeiro
 7. UNCED (1992), p. 21.

ژوهانسبورگ^۱ (۲۰۰۲) مجدداً مورد تأکید قرار گرفت.^۲

اهمیت افزایش جریان سرمایه به کشورهای در حال توسعه، به ویژه در بخش‌هایی که در گذار به اقتصاد سبز^۳ نقشی حیاتی ایفا می‌کنند، مجدداً در کنفرانس اخیر توسعه پایدار سازمان ملل در ریودوژانیرو (۲۰۱۲) مورد توجه واقع شد.^۴

با وجود این، از دیدگاه توسعه پایدار، ارتقاء سرمایه‌گذاری به خودی خود هدف نبوده، بلکه ابزاری برای رسیدن به هدف است. در واقع، هدف نهایی بهبود زندگی مردم همراه با حفاظت از محیط‌زیست می‌باشد. به عبارت دیگر، کیفیت جریان سرمایه به اندازه کمیت آن اهمیت دارد. کیفیت می‌بایست بر اساس ویژگی‌های اصلی سرمایه‌گذاری و نه برنامه‌های حاشیه‌ای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت^۵ ارزیابی شوند. این مسئله مستلزم بررسی کامل ملاحظات اجتماعی، محیط‌زیستی و اقتصادی در پروژه سرمایه‌گذاری مورد نظر و ارزیابی چگونگی اتخاذ تصمیم در مورد پروژه و اینکه چه کسانی تصمیم‌گیر هستند، می‌باشد. اگرچه بخش عمده‌ای از ادبیات توسعه پایدار بر حقوق ملی و بین‌المللی تمرکز دارد، اما قراردادها نقشی اساسی در این میان ایفا می‌کنند. قراردادها شرایط یک پروژه سرمایه‌گذاری را تعریف کرده و در واقع راهی هستند که از گذر آنها ریسک‌ها، هزینه‌ها و منافع مرتبط با پروژه توزیع می‌شوند. اگرچه هر یک از قراردادهای سرمایه‌گذاری مشتمل بر قراردادهای متعددی میان بازیگران مختلف نظیر سرمایه‌گذاران، دولت میزبان، وام‌دهندگان، بیمه‌گران و پیمانکاران فرعی است، اما تمرکز ما در این مقاله بر روی قراردادهای سرمایه‌گذاری میان سرمایه‌گذاران و دولت‌های میزبان در حوزه منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز می‌باشد. اگرچه مباحث مربوط به قراردادهای سرمایه‌گذاری به طور سنتی بر مسائل تجاری تمرکز داشته، ولی در سال‌های اخیر مسائل غیرتجاری توانسته توجه بسیاری از صاحب‌نظران را به خود جلب نماید. در این خصوص سازمان‌های غیردولتی (NGOs)^۶ گزارش‌هایی با محتوای چالشی منتشر کرده‌اند^۷، دانشگاهیان تحلیل‌های عمیقی

1. Johannesburg
2. UN (2002)
3. Green Economy
4. UN (2012), p. 46
5. Corporate Social Responsibility (CSR)
6. Non-Governmental Organizations

۷. برای نمونه نگاه کنید به: Amnesty International (2003)

ارائه داده‌اند^۱ و فعالان حقوقی نقطه نظرات مفیدی مطرح نموده‌اند.^۲ پرفسور جان راگی^۳ نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل در کسب و کار و حقوق بشر مطالعه مهمی در این خصوص انجام داده و مجموعه‌ای از اصول قراردادهای معتبر^۴ تولید کرده است.^۵ این اصول با هدف وارد کردن ریسک‌های مربوط به حقوق بشر در مذاکرات مربوط به قراردادهای سرمایه‌گذاری و مدیریت این ریسک‌ها تدوین شده‌اند. مسائل مربوط به قرارداد همچنین به شکل پررنگ در منشور منابع طبیعی^۶ مطرح شده‌اند. این منشور توسط گروه مستقلی به رهبری پرفسور پل کلیر^۷ تدوین شده است.^۸ در آوریل ۲۰۱۱، کمیته حقوقی معدنی اتحادیه بین‌المللی وکلا^۹ یک نمونه موافقت‌نامه توسعه معدن (MMDA)^{۱۰} تدوین و منتشر کرده که از جهات بسیاری، یک تلاش روبه‌جلو در بازاندیشی در قراردادهای معدنی محسوب می‌شود.^{۱۱}

این مقاله با عنایت به همه تلاش‌های مهم مذکور و با تمرکز بر مقوله سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه، به دنبال ارائه یک چارچوب مفهومی برای بررسی قراردادها از دیدگاه توسعه پایدار می‌باشد. همانطور که در اعلامیه محیط زیست و توسعه ریو (۱۹۹۲) و تعدادی از معاهده‌های بعد از آن تبیین شده، دیدگاه مبتنی بر توسعه پایدار، میان دغدغه‌های سنتی دولت در خصوص دستیابی به بالاترین منفعت اقتصادی ممکن و حوزه گسترده‌تری از ملاحظات دیگر، توازن برقرار می‌کند. اعلامیه ریو علیرغم ماهیت غیرالزام‌آور بودن آن، همچنان به‌عنوان «مهم‌ترین بیانیه مورد حمایت جهانی در مورد حقوق و تکالیف عمومی دولت‌ها در خصوص محیط‌زیست» شناخته می‌شود.^{۱۲} بندهای این اعلامیه مشتمل بر بیان مجدد حقوق گمرکی^{۱۳}، پشتیبانی از قواعد حقوقی جدید و بیان

۱. برای نمونه نگاه کنید به: Olivier De Schutter (2005), p. 403-444.

۲. برای نمونه نگاه کنید به: Audley Sheppard and Antony Crockett (2011), pp. 333-50.

3. John Ruggie

۴. Principles on Responsible Contracts: این اصول ده‌گانه در پیوست مقاله آمده‌اند.

5. UN (2011)

6. Natural Resource Charter

7. Paul Collier

8. Natural Resource Charter, Second Edition (2014), <http://naturalresourcecharter.org>

9. International Bar Association

10. Model Mining Development Agreement

11. International Bar Association (2011)

12. Patricia, *et al* (2009), p. 82

13. Customary Law

ایدئال‌ها و سیاست‌ها بوده و این بندها صراحتاً توسط دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)^۱ مورد استناد قرار گرفته است.^۲

با عنایت به مقدمه فوق، در این مقاله پس از نگاهی به ابعاد محیط زیستی قراردادهای نفتی، سیر تطور قوانین و قواعد حاکم بر قراردادهای نفتی از جنبه محیط زیستی در بخش سوم بررسی شده و از این طریق، وضعیت ایران را از حیث دو موضوع مهم سوزاندن گازهای همراه نفت و تعیین قانون حاکم بر جبران خسارات محیط زیستی در بخش چهارم مورد ارزیابی قرار گرفته است و در بخش پنجم نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۲. نگاهی به ابعاد محیط زیستی قراردادهای نفتی

از ابتدای قرن گذشته، عملیات نفتی از سوی شرکت‌های نفتی بین‌المللی در کشورهای مختلف آغاز شده است. در این مدت، توجه به مسائل مالی و اقتصادی در قراردادهای نفتی، کانون اصلی توجه تنظیم‌کنندگان قراردادهای نفتی و کشورهای میزبان بوده است. در مقابل آن، برخی از موضوعات مرتبط، به ویژه توجه به مسائل اجتماعی و محیط زیستی ناشی از اجرای قراردادهای مذکور، چندان مورد توجه طرفین قراردادهای نبوده است. در نتیجه، در پی بیش از یک قرن فعالیت نفتی، آسیب‌های جدی در این زمینه مشاهده شده است. به‌عنوان مثال، حفاری‌های بی‌رویه و اکتشافات بدون محدودیت، موجب آلودگی‌های متعدد در محیط زیست انسانی و جانوران شده است. همچنین عملیات لرزه‌نگاری که مستلزم ایجاد انفجار برای تعیین محل وقوع احتمالی نفت است، حمل و نقل ادوات و تجهیزات که همراه با ایجاد آلودگی‌های صوتی است و محیط زیست انسانی را متأثر می‌کند، استفاده از پسماندهای صنعتی، که باعث ایجاد آلودگی هوا شده یا به وسیله جانداران به‌عنوان غذا مصرف شود، از جمله این آلودگی‌هاست.

در ایالات متحده آمریکا، اعمال قاعدهٔ حیات^۳ که به موجب آن هر کس به نفت می‌رسد مالک آن شناخته می‌شود، به رقابت گسترده برای رسیدن به نفت، بدون توجه به عواقب محیط زیستی، منجر شد. با استفاده از این قانون مناطق نفتی به صحنه‌ای از هرج و مرج تبدیل شد، تراکم سریع و شدید جمعیت، ساخت ناگهانی ساختمان‌های چوبی و یا

1. International Court of Justice

2. ICJ (1996)

3. Rule of Capture

بدون استحکام کافی، ایجاد هتل‌های فاقد امکانات که به جای هرگونه وسایل استراحت فقط بر کف هر اتاق ۵ یا ۶ تشک برای اقامت سیل تازه واردان می‌انداختند، بالا رفتن ردیف‌های بی‌انتهای دکل‌های چاه‌های حفاری و مخازن پایان‌ناپذیر ذخیره‌سازی نفت و تانکرها، در حالی که هر کس با جوش و خروش فراوان به دنبال پول به هر طرف می‌دوید، و بر بالای همه اینها تراکم هوا و بوی تند و تعفن‌انگیز نفت منظره‌های بس عجیب و غریب به وجود آورده بود. خیابان‌های پر از گل و لای چسبناک و متعفن که هنگام بارندگی تمام راه‌های اصلی و فرعی را پوشانده بود و خیابان‌های اصلی شهر که مرکز عمده صدور نفت بود حالت دریاچه‌هایی مملو از مایعات غلیظ و چسبناک یا خطوطی که گل و لای در آن جریان داشت پیدا کرده بودند. آنهایی که به تماشای این صحنه می‌آمدند بی‌اختیار به یاد ارتفاعات و دهکده‌های ساکت، آرام و سرسبز پنسیلوانیا، قبل از آنکه تبدیل به صحنه فوران نفت شود، می‌افتادند.^۱

متأسفانه باید گفت قراردادهای بهره‌برداری از منابع نفت و گاز، که می‌توانند محمل حقوقی ارزشمندی برای حفاظت از محیط زیست باشند، در این زمینه بسیار ضعیف عمل کردند.^۲ اصولاً حفاظت از محیط زیست تا سال‌های اخیر یکی از دغدغه‌های این نوع قراردادها به شمار نمی‌رفت. اما از نیمه قرن اخیر میلادی به این سو و با ظهور آثار ناخوشایند فعالیت‌های صنعتی به طور عام و عملیات نفتی به طور خاص، نگرانی‌هایی درباره ادامه روند موجود به وجود آمد که انسان را به بازنگری در سیاست برخورد با محیط زیست واداشت. این نگرانی‌ها خود را به صورت چندین قاعده مشخص در حقوق بین‌الملل نشان داده که در اینجا به اصول مهم توسعه پایدار و پیشگیری اشاره می‌کنیم.

۱-۲. اصل توسعه پایدار

به موجب این اصل، توسعه بایستی ضمن برآورده کردن نیاز نسل‌های فعلی، به توانایی نسل‌های آینده در برآورده کردن نیازهایشان خللی وارد نیاورد، طبق تعریف مندرج در گزارش «آینده مشترک ما»^۳، «توسعه پایدار یعنی قابلیت بشر برای برآورده کردن نیازهای نسل حاضر بی آنکه به حق و توان نسل‌های آینده در تأمین نیازهایشان آسیب برسد». در

۱. یرگین (۱۳۸۵)، صص ۶۰-۵۹.

2. Gao (1994), p. 19.

3. UN (1987), Our Common Future

اسناد متعدد مرتبط با توسعه پایدار، محیط زیست مورد توجه بوده است، از جمله در اصل چهارم از اصول توسعه پایدار اعلامیه ریو آمده است: به منظور نیل به توسعه پایدار، حمایت از محیط زیست باید جزء جدایی‌ناپذیر فرایند توسعه باشد و جدای از آن نمی‌تواند مورد توجه قرار گیرد. اصل ۲۵ نیز مقرر داشته است که صلح، توسعه و حمایت از محیط زیست وابستگی متقابل دارند و قابل تفکیک نیستند. بر اساس این دو اصل سیاست‌ها و عملکردهای دولت‌ها باید در زمینه‌های مختلف برای نیل به توسعه پایدار یکپارچه شوند. بنابراین، اصل چهارم و بیست و پنجم متضمن دو مفهوم یکپارچگی و وابستگی متقابل است.^۱ در واقع تمرکز کنفرانس سازمان ملل متحد درباره توسعه و محیط زیست بر اتخاذ خط‌مشی‌های جهانی، که هدف آشکار آن آشتی دادن توسعه اقتصادی با حفظ محیط زیست بود، بایستی در پرتو مفهوم توسعه پایدار دیده شود.^۲

در پاراگراف ۶ از اعلامیه کپنهاگ^۳ نیز آمده است: توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست وابستگی متقابل دارند و متقابلاً عناصر توسعه پایدار را تقویت می‌کنند. پاراگراف ۵ از اعلامیه ژوهانسبورگ^۴ سال ۲۰۰۲ میلادی نیز مقرر داشته است که کشورها برای تقویت و پیشبرد وابستگی متقابل ارکان توسعه پایدار (توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست) در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی به مسئولیت جمعی متعهد می‌شوند.

از بررسی مجموع این اسناد درباره توسعه پایدار چنین برمی‌آید که یکپارچگی و وابستگی متقابل برای توسعه پایدار اهمیت بنیادین دارند. مفهوم یکپارچگی حاوی یک تعهد است که می‌خواهد ملاحظات و اهداف محیط زیستی را به مرکز روابط بین‌المللی هدایت کند و در سطوح ملی این مفهوم معمولاً به مثابه یک قاعده شکی شناخته می‌شود، که باید از سوی مقامات قانونی و اجرایی به رسمیت شناخته و اجرا شود.^۵

۲-۲. اصل پیشگیری^۶

بر اساس این اصل، به منظور حمایت از محیط زیست، پیشگیری از خسارات محیط زیستی

1. Ibid: 25

2. Boyle (1994), p. 173

3. <http://www.unic-ir.org/hr/declaration-copenhagen.htm>

4. <https://www.unescwa.org/johannesburg-declaration-sustainable-development>

5. Kurukulasuriya and Robinson (2006), p.25.

6. The Principle of Prevention

جایگزین جبران این خسارت‌ها می‌شود. بر این اساس، ضوابط و مقررات محیط زیستی بایستی علل نابودی محیط زیست را پیشینی و از آنها جلوگیری کند. اصل پیشگیری به لحاظ اکولوژیک و از جنبه اقتصادی به عنوان یک قاعده طلایی عمل می‌کند، زیرا غالباً جبران زیان‌های وارد شده به محیط زیست غیرممکن است، برای نمونه انقراض گونه‌های جانوری و گیاهی، فرسایش خاک و تخلیه مواد آلاینده بادوام درون آب رودخانه‌ها و اقیانوس‌ها، که همگی وضعیت غیر قابل بازگشتی را ایجاد می‌کنند، از این دست خسارات به‌شمار می‌روند. اگر در مواردی امکان جبران خسارت هم وجود داشته باشد، به سبب هزینه‌های کلانی که طلب می‌کند، معمولاً انجام دادن آن دور از صرفه اقتصادی است و در نتیجه دولت‌ها تمایلی به تقبل هزینه‌های آن نخواهند داشت.^۱

در تلاش برای پیشگیری از زیان‌های عمده محیط زیستی فرامرزی، تحلیلگران حقوق بین‌الملل، مقررات و قواعد مربوط به رفتار و عملکرد دولت‌ها را، که به منظور جلوگیری از وقوع آسیب‌ها و حوادث محیط زیستی قبل از وقوع آنها طرح‌ریزی می‌شود، توسعه و تحول بخشیده‌اند.^۲ اعمال اصل پیشگیری مستلزم استفاده از فنون ویژه از قبیل تجزیه و تحلیل احتمال خطر و ارزیابی پیامدهای به‌جامانده از فعالیت‌های انجام یافته است. قبل از شروع طرح‌ها و پروژه‌ها، باید آثار محیط زیستی آن بررسی شود تا توسعه حداقل زیان‌های جانبی را به همراه داشته و موجب تضمین پایداری شود.^۳

بر اساس ماده ۲۰۶ کنوانسیون حقوق دریاها، هرگاه دولت‌ها دلایل منطقی در دست داشته باشند که فعالیت‌های تحت صلاحیت و نظارت آنها موجب آلودگی شدید محیط زیست دریایی شده یا تغییرات اساسی و زیان‌آوری در آن به وجود می‌آورد، باید تا حد امکان اثرات بالقوه این فعالیت‌ها را بر محیط زیست ارزیابی کنند و گزارش‌های مربوط به نتایج این ارزیابی‌ها را برای اعضا ارسال کنند. به موجب اعلامیه ریو ۱۹۹۲ نیز هر دولت باید سعی کند برای حفظ نظم عمومی، فعالیت‌های بخش خصوصی تحت قلمرو نظارت او برای محیط زیست زیان‌آور نباشد.^۴

1. Kurukulasuriya and Robinson (2006), 32.

۲. سیدفضل‌الله موسوی (۱۳۹۲)، صص. ۸۴-۸۳.

3. Ibid

۴. موسوی و شیرمردی دزکی (۱۳۹۴)، ص ۹۶.

۳. سیر تطور قوانین و قواعد حاکم بر قراردادهای نفتی از جنبه محیط زیستی اولین الگوی به کار گرفته شده بین شرکت‌های بین‌المللی نفتی و کشورهای صاحب نفت برای عملیات نفتی امتیازات سنتی بود. در این قراردادها بحث محیط زیست و حفظ آن موضوعی بیگانه و ناشناخته بود. اولین امتیاز که بین شاه ایران و ویلیام ناکس دارسی منعقد گردید، قرارداد امتیاز ۲۳ (معروف به قرارداد دارسی)، حاوی مقرره‌ای درباره محیط زیست نبود. قرارداد امتیاز آرامکو بین عربستان و شرکت نفت آرامکو نیز در این خصوص هیچ پیش‌بینی‌ای نکرده بود. امتیاز نواحی دریایی ابوظبی سال ۱۹۵۳ میلادی، که در سال ۱۹۶۶ میلادی بازنگری شد، نیز درباره حفاظت از محیط زیست ساکت است. شاید قرارداد امتیاز سال ۱۹۲۵ با شرکت نفت عراق، یگانه امتیاز سنتی باشد که به موضوع مورد بحث اشاره کرده است. در این امتیاز، ذیل عنوان «دسترسی به آب» مقرر شده بود: «شرکت متعهد می‌شود هرگونه احتیاط معقول را در قبال آلودگی اجزای تأسیسات مربوطه لحاظ نماید، با وجود این، دولت عراق آلودگی اجزای تأسیسات به واسطه ماهیت عملیات صنعت نفت را اجتناب‌ناپذیر دانسته و به رسمیت می‌شناسد. بنابراین در مواردی که ایراد خسارت محیط زیستی اجتناب‌ناپذیر است، اقداماتی که به طور معقول نمی‌توان از طرف قراردادی انتظار داشت، مطالبه نمی‌گردد.»^۱ به این ترتیب، در همین مورد نادر نیز، که بحث حفاظت از محیط زیست مطرح شد، جنبه فرعی و ناقص دارد.

از نیمه دوم قرن بیستم میلادی موضوع محیط زیست به تدریج مورد توجه کشورهای قرار گرفت و به تبع آن در قراردادهای این دوران نیز جایگاهی، هرچند نه درخور، به دست آورد. در قراردادهای نفتی، که در این دوره منعقد شد، مواردی از ارجاع به رعایت استانداردهای محیط زیستی ملاحظه می‌شود که در قراردادهای مختلف به روش خاصی عمل شده است. قراردادهایی که در این دوره مورد استفاده بوده و تا امروز نیز به کار گرفته می‌شوند عبارتند از قراردادهای امتیازی جدید، قراردادهای خدمت و قراردادهای مشارکت در تولید. به نظر می‌رسد قراردادهای ترکیبی که عمدتاً در چین و بعضاً در هندوستان بسته می‌شوند، نگاه ویژه‌ای به محیط زیست دارند به طوری که می‌توان گفت این قراردادها یک چارچوب حقوقی منظم و قاعده‌مند برای حفظ محیط زیست ارائه می‌کنند. در قراردادهای ترکیبی چین، که از دهه ۱۹۸۰ و با ترکیب الگوهای قراردادی

1. Gao, op.cit, p. 19.

مشارکت در تولید و خدمات به کار گرفته شده‌اند، تعهدات ذیل برای پیمانکار برای محیط زیست در نظر گرفته می‌شود: الف) تهیه بیمه‌نامه اشخاص که مسئولیت در برابر آلودگی، عملیات پاکسازی آلودگی و انفجار را پوشش می‌دهد، ب) قبل از آغاز عملیات پیمانکاری، پیمانکار باید طرح را برای بازرنگری و تأیید به «کمیته اقدامات فوری در خصوص ایمنی و محیط زیست» ارائه دهد، ج) پیمانکار باید به صورت دوره‌ای درباره ایمنی، حفظ محیط زیست و سوانحی که در جریان عملیات نفتی در «۲۹ مدیریت مشترک» پیش می‌آید، گزارش‌هایی به شرکت ملی نفت ارائه کند، د) پیمانکار از هرگونه مداخله در منابع ماهیگیری باید خودداری کند، ه) پیمانکار متعهد است برای بازرسان محیط زیست چین تمامی امکانات ضروری برای انجام وظایفشان را فراهم نموده و در این خصوص همکاری کند، و) پیمانکار موظف است بیشترین تلاش را برای جلوگیری از آلودگی و ایراد خسارت به جو، اقیانوس‌ها، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، بنادر و زمین به کار گیرد و تمام تلاش‌های معقول برای خاتمه فوری هرگونه آلودگی که در اجرای عملیات نفتی حادث شده را به کار گیرد و آثار آن را به حداقل برساند.^۱

امروزه در قراردادهای دیگر نیز شروطی تحت عنوان حمایت از محیط زیست درج می‌شود. رویکرد قراردادهای مختلف به موضوع حمایت از محیط زیست یکسان نبوده است، ولی در اکثر قراردادهای چند شیوه برای پیش‌بینی مقررات محیط زیستی استفاده می‌شود. این شیوه‌ها در ادامه بررسی و تحلیل می‌شود.

۴. شروط محیط زیستی در قراردادهای نفتی بین‌المللی

به طور کلی ضوابط محیط زیستی در قراردادهای نفت و گاز عمدتاً در پنج روش گنجانده می‌شود:^۲

- ارجاع به قوانین و مقررات ملی محیط زیستی،
- ارجاع به استانداردهای بین‌المللی صنعت نفت و گاز،
- ارجاع به قوانین ملی و استانداردهای بین‌المللی صنعت نفت و گاز،
- ارجاع به قوانین ملی یا استانداردهای صنعت و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی محیط زیست،
- ایجاد استانداردهای محیط زیستی خاص هر پروژه.

1. Ibid, pp. 193-194.

2. Tienhaara (2011), p. 16.

با توجه به عدم کفایت قوانین محیط زیستی در برخی کشورهای در حال توسعه، طرفین این قراردادها، به خصوص شرکت‌های بزرگ چندملیتی که عمدتاً از کشورهای توسعه‌یافته‌اند، به‌ندرت از روش ارجاع به قوانین ملی کشور میزبان در قراردادهای خود استفاده می‌کنند. در عوض، در عمده قراردادهای نفتی به استانداردهای صنعت اشاره می‌شود. مزیت اشاره به استانداردهای بین‌المللی این است که در برخی موارد، این استانداردها ممکن است در سطحی بالاتر از قوانین ملی باشند یا موضوعات خاص و جدیدی را که در قوانین ملی گنجانده نشده تحت پوشش قرار دهند. یکی از روش‌های ارجاع به استانداردهای بین‌المللی استفاده از عبارت روش خوب صنعت^۱ یا عرف حرفه‌ای در قراردادهاست. روش خوب صنعت به استانداردها، رویه‌ها و شیوه‌هایی اطلاق می‌شود که انتظار می‌رود هر شخص متعارفی که عملیات نفتی بین‌المللی انجام می‌دهد، آنها را رعایت کند. بنابراین، شرکت نفتی که متعهد به انجام عملیات نفتی به روش خوب صنعت می‌شود، باید حدی از مهارت، احتیاط و دوراندیشی را به کار گیرد که هر شرکت نفتی بین‌المللی دیگر در چنین اوضاع و احوالی آنها را پیش می‌گیرد.^۲

برخلاف فواید ارجاع به استانداردهای بین‌المللی، این نقد همواره بر روش مذکور وارد است که مرجع خاصی را در سطح بین‌المللی نمی‌توان یافت که حاضر باشد مسئولیت ارائه فهرست جامعی از این استانداردها را بپذیرد. از آنجاییکه منابع متعدد و عمدتاً گوناگون و متناقضی برای این استانداردها وجود دارد، بنابراین مرجع اصلی و دقیق استانداردهای پذیرفته شده عمومی مشخص نمی‌باشد. به‌عنوان نمونه، اعضای مؤسسه نفت آمریکا (API)^۳ تعهد دارند که با رعایت یازده اصل محیط زیستی، تجارت خود را مدیریت کنند در حالی که این اصول غالباً به طور کلی تبیین شده‌اند و از دقت کافی برخوردار نیستند. نمونه‌ای از آنها، تعهد به کاهش انتشار کلی گازهای گلخانه‌ای و تولید ضایعات است. در این خصوص، شاید بتوان با تحلیلی حقوقی و با استناد به مجهول بودن شرط درج استانداردها، ادعای بطلان این شرط از قرارداد را داشت که این امر ممکن است باعث عدم کارایی چنین شروطی شود. در مقابل، می‌توان با استناد به سایر مکانیسم‌ها از جمله مسئولیت مدنی و قصور فاحش در خصوص عدم رعایت استانداردهای محیط زیستی،

1 . Good Manufacturing Practice

2. Tienhaara (2011), p. 16.

3. The American Petroleum Institute

جبران خسارت را مطالبه کرد. از آنجا که استانداردها به عرف نیز برمی گردد، انتظار می رود شرکت های نفتی بین المللی که این عملیات نفتی را انجام می دهند از این استانداردها آگاهی داشته باشند. در برخی موارد نیز پیمانکار باید استانداردها را از دولت مطالبه کند.^۱

در حقوق ایران، قوانین مختلفی به مسائل محیط زیستی پرداخته اند. در قوانین نفتی، ماده ۷ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶/۷/۹، وزارت نفت را مکلف کرده است که «در جریان عملیات نفتی ضمن برنامه ریزی های صحیح، جهت صیانت و حفاظت منابع و ثروت طبیعی و تاسیسات و جلوگیری از آلودگی محیط زیست (آب و هوا و خاک) با هماهنگی سازمان های ذیربط نظارت و مراقبت کامل به عمل آورد. همچنین مقررات و ضوابط محیط زیست در مناطق آزاد تجاری - صنعتی مشابه مقررات مزبور در سرزمین اصلی ایران می باشد و واحدی از اداره محیط زیست که در سازمان هر یک از مناطق آزاد تجاری مستقر می باشد به انجام وظایف و نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات محیط زیست در این مناطق می پردازد».^۲

۱-۴. سوزاندن گازهای همراه نفت

مهم ترین مسئله در رعایت الزامات محیط زیستی، عدم سوزاندن گازهای همراه نفت است که یکی از دغدغه های اصلی محیط زیستی در ایران محسوب می شود.^۳ در اینجا نگاهی به مسئله گاز همراه در تاریخ قراردادهای نفتی ایران خالی از لطف نیست. در قراردادهای دوره امتیازی سخنی از جمع آوری گاز همراه به میان نیامده و چنین مسئله ای دور از ذهن نیست. پس از ملی شدن صنعت نفت قرارداد مهم دیگری به نام قرارداد کنسرسیوم منعقد گردید که در قرارداد کنسرسیوم نیز به جمع آوری گاز همراه اشاره ای نشده است. پس از قرارداد کنسرسیوم، شرکت ملی نفت ایران با برخی از شرکت ها وارد قراردادهای جدیدی شد. در تمامی قراردادهای مشارکت^۴، توافق شد گاز همراه نفت که از میدان های نفتی

۱. زین الدین و شاهمرادی (۱۳۹۴)، صص ۲۲۱-۲۲۲.

۲. سامانه قوانین و مقررات مرکز پژوهش های مجلس <http://rc.majlis.ir/fa/law>

۳. شیروی (۱۳۹۳)، ص ۵۶۶.

۴. شایان ذکر است در سال ۱۳۵۰ و پس از دوره اول قراردادهای خدماتی، سه قرارداد مشارکتی دیگر نیز منعقد شدند، اما قراردادهای سه گانه مزبور به دلیل عدم تحقق تولید تجاری منتفی شدند.

تولید می‌شد به مصرف داخلی و نیازهای شرکت ملی نفت برسد و یا در هنگام ضرورت توسط این شرکت صادر شود.^۱ اگرچه از وضعیت گاز همراه در قراردادهای قبل از انقلاب اطلاعات چندانی در دسترس نیست، اما در عمل جمع‌آوری گازهای همراه نفت با انتقال گاز واحدهای بهره‌برداری اهواز، مارون و آغاچاری برای مصارف داخلی و ایجاد کارخانجات گاز و گاز مایع ۶۰۰-۱۰۰ و تأسیسات بیدبلند از دهه ۱۳۴۰ شروع شده است. سپس مسئله استفاده از گازهای همراه برای استحصال مایعات گازی برای صنایع پتروشیمی و ایجاد امکانات تزریق گاز در میدان‌های نفتی در اوایل ۱۳۵۰ مطرح گردید و پروژه‌های مختلفی برای جمع‌آوری گازهای همراه تدارک دیده شد. علی‌رغم این امر تا سال ۱۳۵۷ تنها ۲۰ درصد گازهای همراه جمع‌آوری و بالغ بر ۸۰ درصد آن سوزانده می‌شد.^۲ در جریان قراردادهای بیع متقابل پس از انقلاب نیز میلیاردها متر مکعب گاز همراه سوزانده شده است. در برخی از قراردادها فروش گاز تولیدی همراه به صورت مبهم بیان شده و نتیجه‌ای در بر نداشته است. در مواردی هم با وجود ارجحیت تزریق گاز بر آب و وجود گاز همراه در مخزن، آب تزریق شده است. بر اساس اطلاعات موجود، تا سال ۱۳۸۵ در پروژه‌های توسعه میادین سیری، فروزان، بلال و سلمان گازهای همراه نفت مجموعاً حجمی برابر ۴۷۰ تا ۵۰۰ میلیون پای مکعب در روز سوزانده می‌شد و برنامه تزریق آن گازها در همان میدان‌ها در نظر گرفته نشده است.^۳

آمارهای ترازنامه انرژی و تراز هیدروکربوری سال‌های مختلف نشان می‌دهد که طی دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۷۵ به‌طور متوسط، هر سال ۴۰ درصد از گازهای همراه نفت سوزانده شده و مابقی (۶۰ درصد) استفاده شده است. به عبارت دیگر از لحاظ مقداری، طی این دوره زمانی به‌طور متوسط روزانه ۹۲ میلیون مترمکعب گازهای همراه نفت تولید شده است که از این مقدار روزانه ۳۶/۸ میلیون مترمکعب در روز سوزانده شده و مابقی (۵۵ میلیون مترمکعب در روز) استفاده شده است. شایان ذکر است که قبل از برقراری تحریم‌های نفتی سال ۱۳۹۰، میزان گازهای همراه نفت سوزانده شده ۳۷/۵ میلیون مترمکعب در روز بوده است و به تبع برقراری تحریم‌های نفتی و کاهش تولید نفت در سال

۱. ماده (۲۷) قراردادها.

۲. مراجعه کنید به: مؤسسه بین‌المللی مطالعات انرژی (۱۳۷۹)

۳. مراجعه کنید به: معاونت انرژی دفتر همکاریهای فناوری ریاست جمهوری (۱۳۸۵)

۱۳۹۲، حجم گازهای همراه نفت سوزانده شده به ۲۶ میلیون مترمکعب در روز کاهش یافته است. مطالعات میدانی نشان می‌دهد که با رفع تحریم‌های فروش نفت و افزایش تولید نفت، میزان گازهای همراه نفت سوزانده شده از ۲۶ میلیون مترمکعب به ۴۰ میلیون مترمکعب در روز افزایش یافته است.^۱

بررسی طرح‌های استفاده از گازهای همراه نفت نشان می‌دهد که از اوایل دهه ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۳، این دسته از پروژه‌ها برای شرکت ملی نفت اولویت کمتری داشته‌اند. به‌ویژه با توجه به مشکلات مالی شرکت ملی نفت، هزینه سرمایه‌ای بالای طرح‌های جمع‌آوری گازهای همراه نفت (۹/۸ میلیارد دلار برای ایجاد واحدهای *NGL*) موجب شده است تا سازمان‌های متولی نفت و گاز این پروژه‌ها را از اولویت خارج کنند. از همین رو، شرکت ملی نفت، از اواخر آبانماه ۱۳۹۳ طرح‌هایی از قبیل واگذاری واحدهای *NGL* را به شرکت‌های بخش خصوصی و فروش گازهای همراه نفت سوزانده شده اعلام کرد. به‌عبارت دیگر، شرکت ملی نفت مجوز حضور سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در طرح‌های استفاده از گازهای همراه نفت سوزانده شده را داده است.^۲ البته هنوز گزارشی درخصوص عملکرد بخش خصوصی در این حوزه منتشر نشده است.

بر اساس کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییر اقلیم (*UNFCCC*)^۳ و مفاد بیست و یکمین دوره از مذاکرات اعضا (*COP*)^۴، کشورهای در حال توسعه می‌بایست برای مقابله با تغییر اقلیم، مورد حمایت قرار گیرند. از مهم‌ترین دستاوردهای کنفرانس بیست و یکم که در شهر پاریس برگزار شد. تأکید بر ایجاد سازوکارهای عملی برای کشورهای در حال توسعه بود تا بتوانند در راستای اقدامات کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای خود در چارچوب سند مشارکت ملی (*NDC*)^۵، از فرصت‌های حمایتی برخوردار شوند. جمهوری اسلامی ایران بر مبنای سند مشارکت ملی (*NDC*) خود متعهد شده است تا سال ۲۰۳۰ نسبت به سناریوی ادامه روندهای موجود (*BaU*)^۶ انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را ۴ درصد غیرمشروط و ۸ درصد مشروط کاهش دهد. به همین

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۷)، ص ۱.

۲. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۷)، ص ۳۶.

3. United Nations Framework Convention on Climate Change

4. Conference of Parties

5. Nationally Determined Contributions

6. Business as Usual

منظور، ایران می‌تواند از فرصت‌های موجود ذیل کنواسیون و کنفرانس اعضا بهره‌گیرد. یکی از اقداماتی که در جهت کاهش تغییر اقلیم در ایران می‌تواند مورد تمرکز قرار گیرد، کنترل یا کاهش انتشار آلاینده‌های ناشی از سوزاندن گاز مشعل است. در برنامه ششم توسعه نیز دولت مکلف به مهار و بهره‌برداری از گازهای همراه تولید و مشعل شده به گونه‌ای که تا پایان برنامه، حداقل ۹۰ درصد از این گازها مهار و کنترل شده باشد. تحقق این بند به معنای آن است که در ابتدای سال ۲۰۲۳ میلادی، میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از گاز مشعل، معادل دست کم ۶/۷ درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای کشور کاهش خواهد یافت. بدین ترتیب، کاهش انتشار غیرمشروطی که ایران در توافق پاریس نسبت به آن متعهد شده، می‌بایست بسیار زودتر از هدف تعیین شده در این توافق محقق شود.^۱

۲-۴. تعیین قانون حاکم بر جبران خسارات محیط زیستی

یکی از جنبه‌های نامشخص حقوق بین‌الملل خصوصی محیط‌زیست، تعیین قانون حاکم بر جبران خسارات محیط زیستی است. در این گونه دعاوی مسئولیت مدنی، غالباً علاوه بر تخریب منابع، صدمات مالی یا جانی وارد شده به اشخاص نیز طرح می‌شود و همین تعدد زیان، پیچیدگی‌های موضوع را افزایش می‌دهد. قانون مدنی ایران که همانند قوانین برخی کشورهای دیگر، مقررات مربوط به حقوق بین‌الملل خصوصی را در خود جای داده، نه در مقدمه و نه در کلیات، هیچ قاعده صریح یا ضمنی در خصوص قانون حاکم بر الزامات خارج از قرارداد وضع نکرده و در مسئولیت‌های خارج از قرارداد، موضوع را به سکوت بر گزار کرده است. لذا اجتماع تمام اقسام مسئولیت از جمله مسئولیت‌های نوین امروزی مثل مسئولیت ناشی از تخریب محیط‌زیست زیر چتر قاعده‌ای واحد از قواعد حل تعارض عملاً ناممکن است و امروزه به جای قاعده حل تعارض از "قواعد" حل تعارض در مسئولیت مدنی یاد می‌شود. در دکتترین حقوقی هم هرچند برخی از حقوقدانان از حاکمیت قانون محل تشکیل دادگاه در مسئولیت‌های غیرقراردادی به‌طور صریح یا ضمنی دفاع می‌کنند، اما اکثر نویسندگان بدون ذکر مبنا و تحلیل حقوقی، قانون محل وقوع شبه جرم را قانون صلاحیت‌دار معرفی می‌کنند. بنابراین، پیچیدگی‌ها در حقوق ایران دوچندان است. در اینجا

۱. وهاب پور و همکاران (۱۳۹۶)، صص ۱۴۹-۱۴۸.

نه تنها مبانی قاعده، بلکه حتی خود قاعده کلی حل تعارض نیز در الزامات خارج از قرارداد مغفول مانده و مبانی حقوقی بحث هنوز ناشناخته است.^۱

۵. نتیجه گیری

از نگاه توسعه پایدار، برای رسیدن به یک مفاد قراردادی خوب، می‌بایست در کنار دغدغه‌های متعارف در خصوص درآمد دولت، میان تمامی موضوعات فرآیندی، اقتصادی و محیط زیستی قراردادهای توازن برقرار نمود. این برقراری توازن یکی از مفاهیم کلیدی توسعه پایدار است. البته در عمل، برقراری توازن میان ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی غالباً پیچیده است. زیرا از یک طرف برقراری توازن ذاتاً و ماهیتاً اقدام پیچیده‌ای بوده و در طول زمان دچار تحول می‌شود و از سوی دیگر اجماعی در خصوص چگونگی مبادله میان عوامل وجود ندارد.

به طور کلی ضوابط محیط زیستی در قراردادهای نفت و گاز عمدتاً در پنج روش ارجاع به قوانین و مقررات ملی محیط زیستی، ارجاع به استانداردهای بین‌المللی این صنعت، ارجاع به قوانین ملی و استانداردهای بین‌المللی صنعت نفت و گاز، ارجاع به قوانین ملی یا استانداردهای صنعت و موافقت نامه‌های بین‌المللی محیط زیست و ایجاد استانداردهای محیط زیستی خاص هر پروژه گنجانده می‌شود. در حال حاضر مواد مربوط به مسائل محیط زیستی به تفصیل وارد قراردادهای سرمایه‌گذاری حوزه صنایع معدنی نفت و گاز شده‌اند، اما همچنان شکاف قابل توجهی در این زمینه وجود دارد. مهم‌ترین مسئله در رعایت الزامات محیط زیستی، عدم سوزاندن گازهای همراه نفت است که یکی از دغدغه‌های اصلی محیط زیستی در ایران محسوب می‌شود و عملکرد ایران در سال‌های گذشته در این خصوص مناسب نبوده و توجه به این موضوع و لزوم مدیریت آلاینده‌ها مسئله‌ای اجتناب‌ناپذیر است.

همچنین، یکی از جنبه‌های نامشخص حقوق بین‌الملل خصوصی محیط زیست، تعیین قانون حاکم بر جبران خسارات محیط زیستی است. قانون مدنی ایران نیز موضوع را به سکوت برگزار کرده است. لذا همچنان این ضرورت وجود دارد که کشورهای نفتی از جمله ایران علاوه بر تدوین قوانین و مقررات لازم برای نظارت و کنترل عملیات نفتی، سیستم نظارتی جامعی را بر اجرای قراردادهای بین‌المللی نفتی، به خصوص برای اجرای

شروط مرتبط با محیط زیست، اعمال کنند.

خاطر نشان می‌سازد که قرارداد خوب نمی‌تواند جایگزینی برای تدوین و تصویب قوانین ملی مناسب باشد. به علاوه، قرارداد خوب نمی‌تواند تضمین دهد که تصمیم‌گیری اولیه برای انجام سرمایه‌گذاری صحیح بوده است. کشورهای میزبان برای اطمینان از کمک سرمایه‌گذاری به توسعه پایدار، می‌بایست اولاً چشم‌اندازی جامع و استراتژیک برای توسعه بخش نفت و گاز داشته باشند، این چشم‌انداز به تصمیم‌گیران در خصوص هر یک از پروژه‌های سرمایه‌گذاری آگاهی می‌بخشد. ثانیاً سیاست‌هایی را برای ارتقاء انواع مناسب سرمایه‌گذاری تدوین نماید. ثالثاً چارچوب حاکمیتی برای تنظیم مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری اعم از معاهده‌های بین‌المللی و قوانین ملی ایجاد نماید. رابعاً مکانیزم‌های نهادی مؤثر برای مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها تعریف کند. بازنگری در قراردادها، سنگ بنای چنین استراتژی جامعی به شمار می‌آید.

منابع

حقوق بین‌الملل محیط زیست، تحقیقی از دانشگاه هاروارد در مجله حقوقی هاروارد (۱۳۸۰)؛ مترجم سیدفضل‌الله موسوی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۰.

زین‌الدین، سیدمصطفی و شاهمرادی، عصمت (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی ملاحظات محیط زیستی در قراردادهای بین‌المللی نفت، *مطالعات حقوق انرژی*، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۲۱۷-۲۳۵.

سامانه قوانین و مقررات مرکز پژوهش‌های مجلس <http://rc.majlis.ir/fa/law>

شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳)، *حقوق نفت و گاز*، انتشارات میزان، چاپ اول.

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۷)، تبیین لوازم و ابزارهای اجرایی طرح‌های جمع‌آوری گازهای همراه نفت و محدودیت‌های سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در این طرح‌ها (گزارش

دوم)، معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی دفتر: مطالعات انرژی، صنعت و معدن

معاونت انرژی دفتر همکاری‌های فناوری ریاست جمهوری (۱۳۸۵)، طرح پژوهشی، بررسی

الگوهای قراردادی مناسب برای تأمین مالی در بخش بالادستی نفت و گاز.

مؤسسه بین‌المللی مطالعات انرژی (۱۳۷۹)، طرح مطالعاتی صرفه‌جویی انرژی در سطح کلان: پروژه جلوگیری از سوزاندن گازهای همراه با نفت.

موسوی، سیدفضل‌اله و شیرمردی دزکی، محمدرضا (۱۳۹۳)، تحلیل رویکرد محیط‌زیستی در قراردادهای نفتی، *مطالعات حقوق انرژی*، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴.

میرحسینی، سیدمجید و خامسی‌پور، فرسیما (۱۳۹۳)، قانون حاکم بر دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط‌زیست در حقوق اتحادیه اروپا و ایران، *فصلنامه راهبرد، سال بیست و سوم*، شماره ۷۳، زمستان صص ۷۳-۹۲.

وهاب پور، امیر و همکاران (۱۳۹۷)، بررسی آثار محیط‌زیستی گاز مشعل در ایران و اهمیت آن در راستای تعهدات کشور در توافق پاریس، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، شماره ۲۷، تابستان صفحات ۱۵۴-۱۳۳.

یرگین، دانیل، (۱۳۸۵)، *تاریخ جهانی نفت*، ترجمه غلامحسین صالحیار، جلد اول، تهران: انتشارات اطلاعات.

References

- Amnesty International UK (2003), "Human Rights on the Line: The Baku-Tbilisi-Ceyhan Pipeline Project", London.
- Boyle, A. (1994), *Economic Growth and Protection of the Environment, in Environmental Regulation and Economic Growth* (ed. A.E. Boyle), Oxford University Press.
- Committee on Cumulative Environmental Effects of Oil and Gas Activities on Alaska's North Slope (2003), *Cumulative Environmental Effects of Oil and Gas Activities Onalaska's North Slope*, The National Academies Press.
- Gao, zhigou (1994), *International Petroleum Contracts: Current Trends and New Directions*, International Energy and Resources Law Policy Series, London, by Graham & Trotman.
- ICJ (1996), "Reports of Judgments", Advisory Opinions and Orders, Legality of the Threat or Use, Of Nuclear Weapons, Advisory Opinion of 8 July.
- Indonesian Court Dismisses Civil Suit Against US Mining Company, <http://jurist.org/paperchase/2005/11/indonesian-court-dismisses-civil-suit.ph>
- International Bar Association (2011), MMDA 1.0, Model Mining Development Agreement, A Template for Negotiation and Drafting, April 4.
- Kurukulasuriya, Lal and Nicholas A. Robinson (2006), "United Nations Environment Programme; Division of Environmental Policy & Law", Training Manual on International Environmental Law, Nairobi, Kenya Division of Policy Development and Law, United Nations

Environment Programme.

Sheppard و Audley and Crockett و Antony (2011), “Are Stabilization Clauses A Threat to Sustainable Development?” in Marie-Claire Cordonier Segger, Markus W. Gehring, and Andrew Newcombe, eds, *Sustainable Development in World Investment Law*, pp. 333-50.

Tienhaara, K. (2011), “Foreign Investment Contracts in the Oil & Gas Sector: A Survey of Environmentally Relevant Clauses”, *Sustainable Development Law and Policy*, Vol. 11, No. 3.

UN (1987), Report of the World Commission on Environment and Development: Our Common Future.

UN (1992), “Rio Declaration on Environment and Development”, Rio de Janeiro, 3-14 June.

UN (2002), “Monterrey Consensus of the International Conference on Financing for Development, The final text of agreements and Commitments Adopted” at the International Conference on Financing for Development, Monterrey, Mexico, 18-22 March.

UN (2002), “Report of the World Summit on Sustainable Development”, Johannesburg, South Africa, 26 August- 4 September.

UN (2011), “Report of the Special Representative of the Secretary General on the Issue of Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises”, John Ruggie, Principles for Responsible Contracts: Integrating the Management of Human Rights Risks into State-investor Contract Negotiations: Guidance for Negotiators, 25 May.

UN (2012), “The Future We Want”, Resolution Adopted by the General Assembly on 27 July, p. 46.

UN (2015), “Principles for Responsible Contracts Integrating the Management of Human Rights Risks Into State-Investor Contract Negotiations”, New York and Geneva.

UNCED (1992), Rio de Janeiro, Brazil, 3 to 14 June, AGENDA 21.

Ecuador court upholds \$18 billion ruling against Chevron, <http://www.reuters.com/article/2012/01/04/us-ecuador-chevron-idUSTRE8021VS20120104>

<http://www.barrowscompany.com>

https://www.globalwitness.org/sites/default/files/import/annex_a_report_on_amended_agreement.pdf

<http://www.unic-ir.org/hr/declaration-copenhagen.htm>

<https://www.unescwa.org/johannesburg-declaration-sustainable-development>

پیوست

اصول ده گانه قراردادهای معتبر (UN, 2015)

- اصل ۱: طرفین می‌بایست آمادگی کافی و ظرفیت لازم برای توجه مناسب به دلالت‌های حقوق بشری پروژه در طول مذاکرات را داشته باشند.
- اصل ۲: مسئولیت‌ها برای جلوگیری و کاهش ریسک‌های مربوط به نقض حقوق بشر مرتبط با پروژه و فعالیت‌های آن می‌بایست پیش از نهایی کردن قرارداد شفاف شده و روی آنها توافق صورت گیرد.
- اصل ۳: حقوق، قوانین و مقررات و استانداردهای حاکم بر اجرای پروژه می‌بایست جلوگیری، کاهش و جبران هرگونه اثر منفی بر حقوق بشر را در طول عمر پروژه تسهیل نماید.
- اصل ۴: در صورت استفاده از بندهای مربوط به ثبات قراردادی، این بندها می‌بایست به دقت تنظیم گردد تا هرگونه حمایت از سرمایه‌گذار در مقابل تغییرات آتی در قوانین با تلاش‌های با حسن نیت دولت برای اجرای قوانین، مقررات یا سیاست‌ها، به شیوه‌ای غیر تبعیض‌آمیز، در جهت تحقق الزامات صیانت از حقوق بشر تداخل نداشته باشد.
- اصل ۵: چنانچه قرارداد، ارائه خدماتی فراتر از محدوده پروژه را برای سرمایه‌گذاران در نظر بگیرد، این مسئله می‌بایست به گونه‌ای تنظیم شود که با الزامات صیانت از حقوق بشر برای دولت و مسئولیت‌های سرمایه‌گذار در قبال حقوق بشر سازگار باشد.
- اصل ۶: حفاظت فیزیکی از تأسیسات یا پرسنل پروژه می‌بایست به گونه‌ای ارائه شود که با الزامات و استانداردهای حقوق بشر سازگار باشد.
- اصل ۷: پروژه می‌بایست یک طرح کارآمد برای مشارکت جامعه محلی در طول عمر پروژه که از مراحل ابتدایی پروژه آغاز می‌شود، داشته باشد.
- اصل ۸: دولت می‌بایست توانایی نظارت بر سازگاری پروژه با استانداردهای مربوط به حقوق بشر پروژه را داشته و نسبت به عدم دخالت خودسرانه در پروژه به سرمایه‌گذاران اطمینان دهد.
- اصل ۹: افراد و جوامع محلی تحت تأثیر فعالیت‌های پروژه قرار می‌گیرند، اما طرف قرارداد نیستند و لذا می‌بایست به یک سازوکار شکایت غیرقضایی کارآمد دسترسی داشته باشند.
- اصل ۱۰: شرایط قرارداد می‌بایست افشا شده و حدود و مدت انتظارات نسبت به آن می‌بایست بر اساس توجیهات قانع‌کننده باشد.

Principles of Environmental Requirements in Iran's Petroleum Contracts

**Roohollah
Kohanhooshnejad***

PhD, Faculty of Economics, Imam Sadiq University,
Tehran, Iran

**Mohammad Hosein
Altamimi**

Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran,
Iran

Abstract

Sustainable development is a policy requirement to balance economic, social and environmental considerations. Investment contracts and sustainable development have complex relationships with each other. Several aspects of investment contracts have direct impact on sustainable development goals such as poverty reduction and environmental sustainability. From the perspective of sustainable development, achieving good contract provisions together with typical concerns about Government oil revenues, necessarily requires a balanced consideration of the above-mentioned issues. Multiple processes and environmental issues in Natural Resources Investment contracts show that these contracts are not only business documents but also a tool for public policy. This consideration has important implications: First, the investment contracts should possess the transparency character. Secondly, from the perspective of sustainable development, creating ways to maximize the positive linkages to domestic economy is of utmost importance. Investment contracts can pursue the goals of increasing employment and creating business opportunities. Finally, in the environmental sector, investment contracts often determine the responsibility for environmental damage as well as the venue of any disputes and claims related to environmental issues.

Keywords: Sustainable development, Natural Resources of oil and gas, Economic Benefits, environment

JEL Classification: Q50, L71, K12

* Corresponding Author: kohan3@gmail.com